

Silent Activists and the Field of Politics: Examining the Role of Women in the National Oil Movement

Robabeh Motaqedi*

Abstract

This research deals with the representation of the role of women in the oil nationalization movement until the August 28 coup in the years 1329 to 1332 and tries to investigate the participation and efforts of women as part of the society during the oil nationalization movement. The main concern of the research is finding an answer to the question, "How did women react to the process of nationalization of oil?" "The first hypothesis is that, as some sources have written, women were passive and behind the scenes, and did not take a role in the oil nationalization movement. But the second assumption is the opposite of the first assumption, and that is that women were actively present in this process; But historians and researchers have ignored and marginalized them for various reasons. The method used in this research is descriptive-analytical and the researcher proved the role of women in the oil nationalization movement by relying on archival documents. According to the findings of this research, despite Mosaddegh's government's lack of respect for their demand to have the right to vote, women stayed with the government and the parliament and worked side by side with men in school and university, in factories, in offices and on the street in the path of oil nationalization.

Keywords: Women, Nationalization of Oil, History from Below, Social History, Archival Documents.

* Assistance professor of history, The National Library and Archives of Iran, Iran, Tehran,
robabe.motaghedi@gmail.com

Date received: 10/03/2023, Date of acceptance: 26/06/2023



کنش گران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت

ربابه معتقدی*

چکیده

این پژوهش به بازنمایی نقش زنان در جنبش ملی شدن نفت تا کودتای ۲۸ مرداد در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ می‌پردازد و می‌کوشد تا مشارکت و چگونگی تلاش زنان، به‌عنوان بخشی از جامعه در جریان نهضت ملی شدن نفت، را بررسی کند. دغدغه اصلی پژوهش یافتن پاسخی برای این سؤال است که «زنان چه واکنشی به جریان ملی شدن نفت نشان دادند؟». در یک کلان‌روایت زنان باتوجه به پذیرفتن نقش درجه دوم در حقوق شهروندی خانه‌نشین، منفعل، و در پرده بودند و نقشی در جنبش ملی شدن نفت برعهده نداشتند، اما در روایت رقیب زنان در این جریان حضور فعال داشتند، اما مورخان و پژوهش‌گران بنابه دلایل گوناگون اشکال آشکار و پنهان حضور آنان را مورد توجه قرار نداده و در نتیجه روایت نکرده‌اند. روش به‌کارگرفته شده در این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و پژوهش‌گر به اثبات نقش زنان در جنبش ملی شدن نفت با اتکا بر اسناد آرشیوی پرداخته است. براساس یافته‌های این تحقیق، زنان باوجود کم‌مهری دولت مصدق به خواسته آنان، مبنی بر برخورداری از حق رأی، در کنار دولت و مجلس ماندند و هم‌پای مردان در مدرسه و دانشگاه، کارخانه‌ها، ادارات، و خیابان‌ها در مسیر ملی‌سازی نفت، ضمن حضور اجتماعی، به ایفای نقش‌های چندگانه پرداختند.

کلیدواژه‌ها: زنان، ملی شدن نفت، تاریخ از پایین، تاریخ اجتماعی، اسناد آرشیوی.

* استادیار تاریخ پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران،
robabe.motaghedi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵



۱. مقدمه

بسیاری از تاریخ‌نگاران و حتی فون رانکه بر این باور بودند که تأکید بر مطالعه آرشیوها به وضوح تاریخ فضای خصوصی و زنانه را از تحلیل تاریخی خارج کرد و به معنی شکل دادن رشته تاریخ و تاریخ‌نگاری ای بود که پیرامون روایت‌های شهروندی و وظایف عمومی مردانه شکل می‌یافت. تلاش برای به روایت کشیدن آنچه واقعاً اتفاق افتاده است، فعالیت‌های مردانه را، که در چهره عمومی تاریخ ظاهر شده بودند، پررنگ می‌کرد. فون رانکه تاریخ را مردانه می‌خواند. او بر بی‌طرفی تأکید داشت، اما آنچه در آرشیوها می‌دید و می‌خواند تاریخ نخبه‌گرای مردانه بود.^۱ زنان در متن اسناد و مدارک سیاست‌ورزان، دولت‌مردان، و نخبگان سیاسی ناپیدا بودند. فون رانکه هم‌چنین بر عینیت تاریخ اصرار می‌ورزید، به نگاه او آنچه عینیت داشت و اثبات‌پذیر بود، می‌توانست تاریخ خوانده شود و از آن‌جاکه زنان در آرشیو دیده نمی‌شدند، پس عینیت نداشته‌اند و در نتیجه از تاریخ کنار گذاشته شده‌اند. شیلا روباتم (Sheila Rowbotham)، مورخ انگلیسی، با انتشار کتابی تحت عنوان *Hidden from History* به تأثیرگذاری زنان در تحولات تاریخ قرن هفدهم تا بیستم پرداخت و به نادیده گرفتن زنان در تاریخ اعتراض کرد (Rowbotham 1976). بعدها گایاتری اسپواک (Gayatri Spivak) نیز اگرچه زمینه مطالعات ادبیات بود، پرسشی مشابه داشت: «آیا فرودستان می‌توانند سخن بگویند؟» (Spivak 2018). در تاریخ ایران نیز ولتاین مقدم و سیمین فصیحی و بسیاری دیگر بر این باورند که زنان نادیده گرفته شده‌اند و حتی زنان توده و عادی بیش از زنان نخبه مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند (فصیحی ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۶۵).

این‌که زنان ارزش‌گذاری، احترام، و درآمدی کم‌تر از مردان داشته‌اند، موضوع این مقاله نیست. پرداختن به تقسیم کار پنهان و تفاوت در موقعیت‌های اجتماعی و دسترسی به منابع و آگاهی سیاسی زنان نیز به عنوان موضوعی بسیار بااهمیت می‌تواند دست‌مایه و پرسش یک پژوهش مستقل دیگر باشد. فارغ از پرداختن به حضور زنان در تشکلهای حزبی، در این مقاله به نقش و مشارکت‌پذیری زنان به طور عام در جنبش ملی شدن نفت پرداخته خواهد شد تا روشن شود که باوجود نابرابری جنسیتی در برخورداری از حقوق سیاسی، گروه زنان در کجای این حکایت ایستاده بودند. بنابراین، با نگاهی نقادانه به الگوی فون رانکه در بررسی یک رخداد پیش خواهیم رفت.

بستر مطالعات و پژوهش اسناد و اطلاعاتی است که در آرشیو نگه‌داری می‌شود. همان‌طور که قابل تصور است، کش‌گران سیاسی که در ابعاد مختلف این رخداد سیاسی در

جبهه موافق یا مخالف قرار دارند و در متون و اسناد دیده می‌شوند، به‌طور معمول مردان هستند. حال اگر به اسناد به‌جامانده از مردم عادی و فرو دست بنگریم، نه به اسناد و نامه‌های سیاسی و خصوصی دولت‌مردان، هم‌چون قوام‌السلطنه، مصدق، حسین مکی، و ... که در جایگاه نخبه‌گان ایستاده‌اند، چه عایدمان خواهد شد؟ برای نمونه، اگر تلگراف‌ها و نامه‌های اعتراضی مردم کوچه و بازار و گزارش‌های مأموران شهربانی و ... را جست‌وجو کنیم، چه می‌بینیم؟ نتیجه کاملاً متفاوت خواهد بود.

در تاریخ‌نگاری مدرن گمان بر این است که ردپای زنان در تاریخ سیاسی نیست، از آن‌رو که رخدادهای سیاسی حوزه کنش آنان نبوده است و اگر در پی تاریخ زنان هستیم، شاید بهتر است در تاریخ فرهنگی و تاریخ اجتماعی آن را جست‌وجو کنیم. امروز می‌توان ادعا کرد که اگر در پی ردپای زنان و صدای زنان در حوزه تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی، و حتی در بستر تاریخ سیاسی هستیم، آن را در اسناد و مدارک آرشیوی خواهیم یافت؛ شاید این بهترین راهی است که می‌توان زنان را به متون تاریخی برگرداند.

۲. پیشینه تحقیق

پس از انقلاب مشروطه، ملی‌شدن نفت بزرگ‌ترین حرکت اعتراضی است که در تاریخ ایران با آن روبه‌رویم. موجی که در سال‌های پایانی دهه بیست و اوایل دهه ۱۳۳۰ ش درمقابل زیاده‌خواهی و رفتار سودجویانه شرکت نفت انگلیس و ایران به‌جریان افتاد و به ملی‌شدن نفت منتهی شد. نیروهای طرف‌دار جبهه ملی به جلوداری دکتر مصدق و هم‌راهی دکتر فاطمی، حسین مکی، و بسیاری دیگر در کنار چهره‌های اثرگذار مذهبی مثل آیت‌الله کاشانی، شمس قنات‌آبادی، و ... و البته با هم‌راهی مطبوعات و نخبگان در روند این جریان تأثیرگذار بودند، اما آنچه غیرعامدانه به فراموشی سپرده شده یا کم‌تر به آن پرداخته شده است، نقش مردم است. مردم در روایت‌های مختلف مورخان از ملی‌شدن نفت به‌حاشیه رانده شده‌اند و در این میان زنان بیش از باقی مردم مهجور مانده‌اند. منابع و مقاله‌هایی هم که به نقش زنان نیم‌نگاهی انداخته‌اند، تنها گروه موسوم به روسپیان هم‌راه با شعبان جعفری در کودتای ۲۸ مرداد (سرشار ۱۳۸۱: ۴۲۹) و نیز جماعات زنان عضو حزب توده را دیده‌اند.

خوش‌بختانه آرشیوهای اسناد و مطبوعات در این شفاف‌سازی نقش ویژه دارند. با کمک اسناد می‌توان به اصلاح و راستی‌آزمایی واقعه‌های تاریخی پرداخت و سره و ناسره را از هم

بازشناخت. بسیاری از گوشه‌های تاریخ، که در کتاب‌ها نادیده گرفته شده‌اند، با کمک این مدارک بازنمایی خواهند شد.

در میان اندک منابعی که به موضوع زنان در دوره موردنظر این پژوهش پرداخته‌اند، باید از پژوهشی جامعه‌شناختی درباره نقش و مشارکت زنان در جنبش‌ها و تحولات اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی نام برد. یافته نهایی این رساله در دو جمله چنین است: «نقش زنان در تحولات عصر مشروطه کاملاً فعال و کنش‌مند بوده است، درحالی‌که در تحولات دوره پهلوی و خصوصاً جنبش ملی‌شدن صنعت نفت نقش فعالی نداشته‌اند» (حاجیان ۱۳۷۹). کتابی با عنوان نقش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران نوشته مرتضی شیروودی، که مفصلاً به زنان در دوره‌های پس از مشروطه تا انقلاب اسلامی پرداخته است، در چند سطر به اصرار زنان در گرفتن حق رأی در این دوره پرداخته است (شیروودی ۱۳۸۶: ۶۸). هم‌چنین، مقاله «پیش‌تازان جنبش، معترضان خاموش: سیری در نقش اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران» نوشته عمادالدین باقی به نقش زنان در رخدادهای تاریخی از جنبش تنباکو تا ملی‌شدن نفت پرداخته است، اما این مقاله نیز در دوره ملی‌شدن نفت فقط نقش زنانی را می‌بیند که در حزب توده فعال بوده‌اند و تحت رهبری حزب فعالیت می‌کردند (باقی ۱۳۸۳). نویسنده کتاب *Women and Politics in Iran* نیز که به تاریخ زنان از مشروطه تا پس از انقلاب اسلامی پرداخته است، تنها در دوسه صفحه به زنان در دوره نخست‌وزیری مصدق و منحصرأ به موضوع حق رأی زنان پرداخته است. این منبع نیز به نقش زنان در ملی‌شدن نفت نگاه نکرده است (Sedghi 2007).^۲ مقاله دیگری که به «نقش روسپیان شهر نو در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» پرداخته است نیز، هم‌چنان‌که از عنوانش پیداست، زنان سهیم در کودتای علیه دولت ملی مصدق را پررنگ کرده است (لعل شاطری و وکیلی ۱۳۹۵: ۶۱).

نزدیک‌ترین پژوهش به این تحقیق مقاله‌ای است با عنوان «تاریخ‌نگاری فرودستان از دریچه آرشیو اسناد با نگاهی به اسناد کنش‌گری زنان در ملی‌شدن نفت» (معتقدی ۱۴۰۱) که، همان‌طور که از عنوانش پیداست، به معرفی اسنادی در این مورد پرداخته است.

۳. زنان در میدان (کار مزدگیری - آگاهی سیاسی)

در طول تاریخ جهان، زنان حقوق شهروندی برابری با مردان نداشتند، آنان تحت‌تأثیر فرهنگ مسلط مردانه محدودیت‌های بسیار داشتند که خود نیز آن‌ها را پذیرفته بودند. زنان تحت فشار

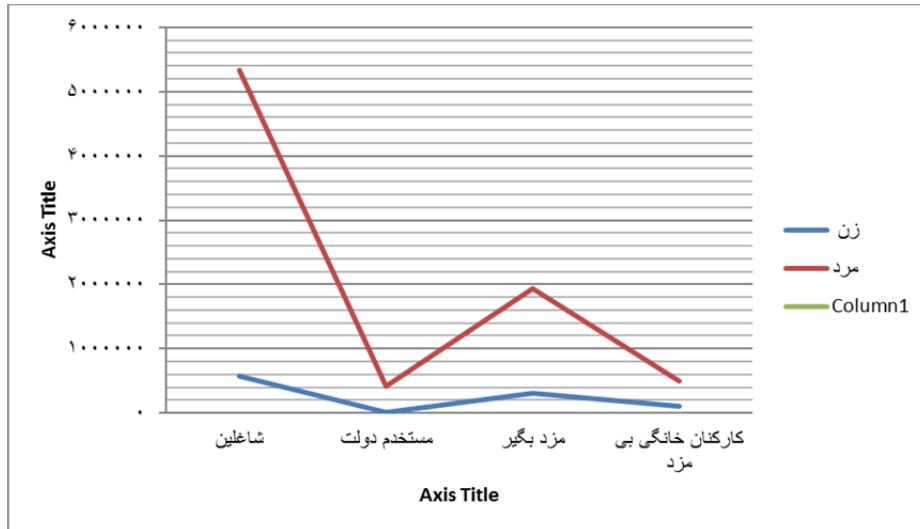
افکار عمومی به‌سوی مشاغلی می‌رفتند که به کارهای منزل نزدیک‌تر و شبیه‌تر بودند؛ کارهایی هم‌چون پرستاری، معلمی، کلفتی، و ...، حتی تا پیش از انقلاب صنعتی کم‌تر جذب کارهایی چون کارگری در کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنایع سنگین و سبک می‌شدند. محدودیت‌های دیگری هم‌چون پرستاری از کودکان و کهن‌سالان خانواده، بارداری، و وظایف کدبانوگری نیز دسترسی به مشاغل متنوع را برای ایشان سخت‌تر می‌کرد. استخدام زنان به‌دلیل محدودیت وقت و توان ایشان در کارخانجات مورد استقبال کارفرما قرار نمی‌گرفت. گرچه گه‌گاه کارفرماها با استفاده از استخدام زنان با حقوق و دست‌مزد کم‌تر به کارگران مرد فشار می‌آوردند تا به دریافت دست‌مزد پایین‌تر اکتفا کنند و به همین دلیل باز توسط هم‌تایان مرد خود در بازار کار نیز بیگانه انگاشته شده‌اند و به‌بازی گرفته نمی‌شدند.

خود زنان به حقوق شهروندی، هم‌چون شرکت در تجمع‌ها و اعتراض‌های صنفی، عضویت در اتحادیه‌های کارگری، و تصدی مقام‌های مدیریتی نیز با اکراه می‌نگریستند. مردان کارگر نیز از حضور زنان استقبال چندانی نمی‌کردند و به‌دلیل ترس از واگذاری مشاغل مردانه به ایشان و راضی شدن به حقوق و دست‌مزد کم‌تر و خارج شدن از محدوده وظایف خانگی و زنانه تحت تأثیر فرهنگ فرودستی زنان نسبت به مردان با بدبینی به آنان در فضای کاری می‌نگریستند. در بهترین حالت زنان در نقش معاون و دستیار کارگران مرد ظاهر می‌شدند.

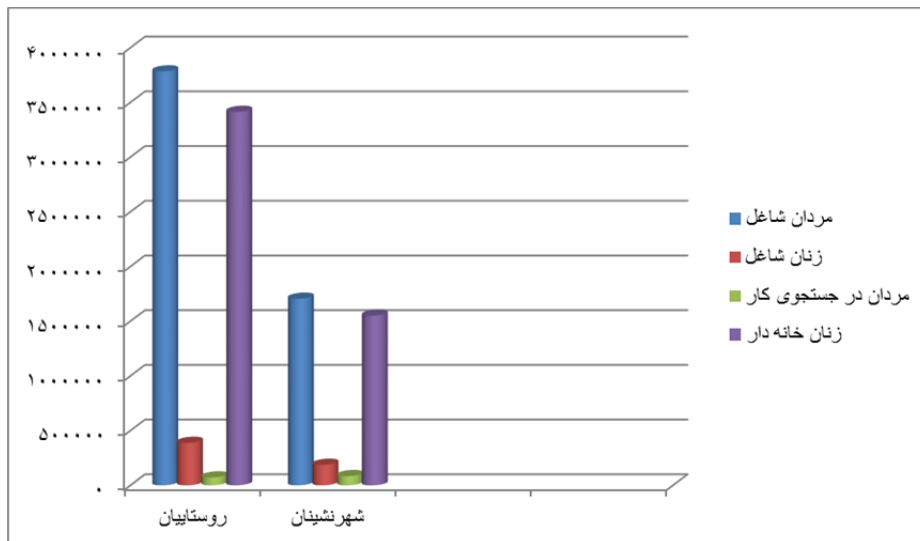
در ایران سال‌های دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ هنوز تعداد زنانی که کار مزدبگیر دولتی یا غیردولتی داشتند نسبت به مردان بسیار کم‌تر بود. بنابر آمار رسمی کشور در ۱۳۳۵ ش، فعالیت صنعتی برحسب جنس چنین توصیف شده است (جدول ۱):

جدول ۱. فعالیت صنعتی برحسب جنس، براساس سرشماری رسمی ۱۳۳۵ ش

فعالیت صنعتی و جنس	جمع شاغلان	کارفرما	مستخدم دولت	مزدبگیر	کارکنان بدون مزد
زن و مرد ده سال به بالا	۵۹۰۷۶۶۶	۶۸۷۷۷	۴۵۰۷۸۷	۲۲۴۵۷۷۹	۵۹۴۲۳۲
مرد ده سال به بالا	۵۳۳۴۳۳۱	۶۵۱۷۶	۴۲۰۱۰۹	۱۹۴۰۳۴۰	۴۹۲۰۶۴
زن ده سال به بالا	۵۷۳۳۳۵	۳۶۰۱	۳۰۶۷۸	۳۰۵۴۳۹	۱۰۲۱۶۸



نمودار ۱. براساس جدول فعالیت صنعتی و جنس سرشماری ۱۳۳۵ ش



نمودار ۲. براساس داده‌های سرشماری ۱۳۳۵ ش، زنان و مردان شاغل شهری و روستایی

اطلاعات سرشماری‌ها نمی‌توانند منبع درستی از میزان مشارکت همه افراد جامعه باشند، همان‌طور که نشریه انگلیسی‌زبان *History Workshop Journal* داده‌های سرشماری‌های رسمی را به دلیل برخی کاستی‌های جدی در میزان انعکاس مشاغل زنان در کارهای خدماتی، خانه‌داری،

کنش گران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۲۸۹

و کارهای پاره‌وقت فاقد ارزش حقیقی دانسته است (Higgs and Wilkinson 2016: 18). اگرچه تفاوتی معنادار میان نسبت زنان و مردان و بی‌کاری زنان و مردان در روستا و شهر مطابق آمار سال ۱۳۳۵ به چشم می‌آید، احتمالاً از آن روست که در روستا زنان هم مشغول کشاورزی، صنایع دستی، و دام‌داری بودند، درحالی که در شهرها مردان اغلب تنها سرپرست و نیروی فعال اقتصادی مزدبگیر خانواده بودند، اما این تفاوت نمی‌تواند تعبیری از بی‌کاری حقیقی و دوری زنان از مسائل روز باشد؛ هم‌چنان‌که اطلاعات موجود در اسناد و مدارک و روزنامه‌های به‌جامانده که در این مقاله از آن‌ها مدد گرفته شده است، نشان‌دهنده این ادعا هستند (بنگرید به عبدالهی ۱۳۹۸: ۱۳۴).

۴. نمونه‌های موردی از حضور زنان در جنبش ملی‌سازی نفت

در فاصله جنگ جهانی اول تا دوم طبقه کارگر صنعتی ایران اهمیت فزاینده‌ای یافته بود. بی‌کاری پس از جنگ، به دلیل رشد شهرها در زمان جنگ، بسیار افزایش یافته بود. در این دوران اتحادیه‌های کارگری متعدد تشکیل شدند و اغلب اعتصاب‌ها و اعتراضات کارگری را هدایت می‌کردند (Keddie 1981: 120). بحران‌های پی‌درپی اقتصادی، جنگ، و کاهش درآمد نفت همگی آتش فقر عمومی را شعله‌ورتر کرده و زمینه‌های اعتراض را بیش از پیش مهیا کرده بودند.

۵. زنان در جنبش ملی‌سازی نفت

به‌باور دکتر محمد مصدق و طرف‌داران او، منابع نفتی ایران به مردم کشور ایران تعلق داشت و همان‌طور که در سخن‌رانی خود در سازمان ملل توضیح داد:

هم‌میهنان من فاقد وسایل اولیه و ضروری زندگی‌اند و سطح زندگی آنان احتمالاً از جمله پایین‌ترین سطح زندگی در دنیاست. بزرگ‌ترین منبع طبیعی ما نفت است. این نفت باید منبع کار و غذای مردم ایران باشد. بهره‌برداری از آن باید به‌نحو مناسبی در اختیار صنعت ملی ما قرار گیرد و درآمد حاصل از آن باید صرف بهبود شرایط زندگی مردم ما شود ... اگر استثمارگران خارجی هم‌چنان و عملاً تمام درآمد ما را به خود اختصاص دهند، مردم ما برای همیشه در شرایط فقر و بینوایی باقی خواهند ماند ... (کینزر ۱۳۸۲: ۱۹۴).

بنابراین، طرف‌داران مبارزه برای ملی‌شدن نفت تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا حقوق حقه مردم ایران را بازگردانند.

در طول سه سال از اعلام قانون ملی شدن نفت در اسفند ۱۳۲۹ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تمام تعاملات دولت و مجلس و دربار، چه در جبهه موافق و چه در موضع مخالف، مردم نقش و حضور جدی داشتند. تلگراف‌های بی‌شماری از سوی مردم عادی، کارگران کارخانه‌ها، و کارکنان ادارات در حمایت از ملی شدن نفت گواه این مدعاست (آرشیو ملی ایران ۲۹۷۰۰۷۴۱، ۹۵۰۳۶۴۰۷، ۹۱۰۲۴۵۰۹۰). حضور آنان در تظاهرات، تحصن‌ها، اعتراضات قبل از اجرایی شدن قانون ملی شدن نفت و هنگام خروج نیروهای خارجی از خوزستان، جشن و پای‌کوبی پس از بازگشت مصدق از سفر به آمریکا، و سفر هیئت خلع‌ید به خوزستان نیز در بیش‌تر منابع و روزنامه‌ها دیده می‌شود.

در طول این سال‌ها کارگران کارخانجات بارها در حمایت از ملی شدن نفت اعتصاب کردند و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به تعطیلی کشیده شدند. در این میان زنان نیز در اعتصابات و تجمع‌ها همراه مردان مشارکت فعال داشتند.^۳

بحران بی‌کاری فقط به تهران اختصاص نداشت. کارگران کارخانه نو و کارخانه پشم‌باف اصفهان، که از ماه‌های پیش بی‌کار بودند، صندوق اعانه برای خانواده کارگران اعتصابی صنعت نفت تهیه کرده بودند و هم‌بستگی خود را با آنان اعلام کردند. آن‌ها، که هر روز برای تعیین تکلیف بی‌کاری و دست‌مزدهای معوقه در اداره کار اصفهان جمع می‌شدند، در تاریخ ۱۹ فروردین تصمیم گرفتند تا به‌منظور حمایت از کارگران اعتصابی نفت خوزستان و برای پشتیبانی از ملی شدن نفت تجمع کنند. کارگران به‌همراه زنان و کودکان در استان‌داری اصفهان تجمع و سخن‌رانی برگزار کردند (همان ۲۰۴۵، ۲۹۳۰۰۲۴). در روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین ۱۳۳۰ کارگران، باوجود ممانعت پلیس و نگهبانان کارخانه‌ها، با عنوان اعتصاب و به حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارگران صنعت نفت و پشتیبانی از ملی شدن نفت با زنان و کودکان خود به شهر آمدند.^۴ هنگامی که با مأموران دژبانی روبه‌رو شدند که با کارگذاشتن چند قبضه مسلسل در پل خواجه و سایر خطوط ارتباطی شهر راه را بسته بودند، اعتصابیون و همراهان آن‌ها به آب زدند و از رودخانه زاینده‌رود عبور کردند تا به دیگر کارگران معترض بپیوندند. زنان در صف‌های جلوی جمعیت تظاهرکننده قرار داشتند (همان ۲۰۴۳، ۲۹۳۰۰۲۴). باوجود تلاش مأموران دولتی در جلوگیری از برگزاری تجمعات مردمی، اسناد آرشیوی از راه‌پیمایی‌هایی پرشور در اصفهان و باقی شهرها سخن می‌گویند. در این تظاهرات نیز زنان هم‌پای مردان حضور داشتند. زنان و کودکان در سازمان‌دهی اعتراضات و راه‌پیمایی‌ها در ردیف‌های پیشین قرار گرفتند تا مانعی برای تیراندازی مأموران نظامی باشند. هم‌چنان، در اسناد موجود، شاهد ابراز هیجان و

کنش گران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۲۹۱

شور و غوغای زنان در هنگام نطق‌های سخن‌رانان در تجمع‌ها هستیم. در همین ایام چندین بار زنان اقدام به تسخیر مراکز اداری استان‌داری اصفهان کردند تا مخالفت خود را از نحوه عملکرد نظام حکومتی ابراز کنند که با مقاومت و ضرب‌و‌شتم و حتی تیراندازی مأموران نظامی روبه‌رو شدند (همان ۲۰۴۵/۲۹۳۰).

در خوزستان، هنگامی که قانون ملی‌شدن نفت تصویب شد، شرکت نفت برای تحریک کارگران و ایجاد بلوا و کارشکنی در ملی‌سازی نفت دست‌مزد‌ها را کاهش داد. هنگامی که کارگران صنعت نفت در بندر معشور (ماهشهر) درمقابل اقدام شرکت نفت ایران و انگلیس در کاهش دست‌مزد‌ها اعتراض و تحصن کردند، نیروی نظامی وارد عمل شد و کوشید تا با تانک و سلاح گرم شورشیان را به کار برگرداند. زنان نیز پرشور و پرتوان در حمایت از کارگران مرد ایستادگی کردند. در گزارش‌های تلگرافی که برای امیر علایی، وزیر وقت دادگستری، ارسال شده‌اند، چنین آمده است: «تا این لحظه پنج نفر زن، دو کودک شیرخوار، و سه پیرمرد مستقیماً به‌دست سرهنگ نوری، فرمان‌دار معشور، کشته شده و چهل‌وسه زن و کودک به‌دستور او توسط سربازان شدیداً مجروح و مشرف به مرگ هستند ... ۱۳۳۰/۱/۲۸» (همان ۰۵۸۷۵/۲۹۳۰). حتی هنگامی که محموله آردی که باید به شهر وارد می‌شد، توسط نیروی نظامی توقیف شد تا اعتصاب‌کنندگان به‌لحاظ کمبود نان در فشار قرار بگیرند و یا آن زمان که اعتصاب‌کنندگان را وادار کردند تا از چادرها بیرون بیایند و در زیر گرمای سوزان بمانند تا اعتصاب را بشکنند، زنان در کنار مردان به اعتراض ادامه دادند. در گزارش‌های آماری بیمارستان شرکت نفت ایران و انگلیس بندر معشور از کشته‌شدگان زن و مرد این روزها مدارک و آماری موجود است که از همراهی زنان با مردان در این بحران حکایت دارد (همان).

آبادان نیز، که به‌طور طبیعی در کانون وقایع ملی‌شدن نفت قرار داشت، همان‌طور که می‌توان انتظار داشت سهمش در اعتراضات بیش از بقیه شهرها بود. گزارش‌هایی از سوی مردم برای مجلس شورای ملی ارسال شده است که حکایت از اعتصابات کارگری ۲۵ هزار نفری در این شهر داشت و درباره زنان و مردانی نوشته است که بر روی زمین درمقابل تانک‌های نظامی نشسته و راه را بر نیروهای نظامی بسته بودند (همان ۰۲۰۱۴/۲۹۳۰).

در دی‌ماه ۱۳۳۰ در رادیوهای بیگانه خبری از تظاهرات دختران دانش‌آموز در میدان بهارستان و ضرب‌و‌شتم آنان منتشر شد (همان ۰۴۱۸۸/۲۴۰۰). هم‌چنین، دختری با نام وجیهه صحت به‌اتهام فروش و توزیع روزنامه جهان زنان و بیانیه ضمیمه روزنامه فردای تاب‌ناک در دی‌ماه ۱۳۳۱ در اصفهان دست‌گیر و با پرونده به دادسرا تحویل داده شد. بتول کلوزه‌ای و

صدیقه رهنما نیز به اتهامی مشابه و به دلیل تظاهرات توسط مأموران کلانتری دست گیر و به دادسرا منتقل شدند. وزارت کشور استان داری اصفهان را به ارسال سوابق و پیشینه این زنان ملزم کرد و از نتیجه اقدامات دادسرا درباره آنان سؤال کرد (همان ۱۶۵۲/۲۹۰۰۰).

در سی تیر ۱۳۳۱، با انتشار خبر استعفای دکتر مصدق و انتصاب قوام السلطنه به ریاست دولت، تهران، اصفهان، و سایر شهرهای ایران شاهد یک واقعه تاریخی بودند. اعتصاب عمومی، بسته شدن بازارها و خیابان‌ها، تظاهرات خیابانی، و درگیری مردم با نیروی نظامی در بسیاری از شهرها مشاهده می‌شد. براساس گزارش روزنامه *باختر/امروز* و *اطلاعات* در میدان بهارستان یک زن روی دوش زنان رفته بود و نطق می‌کرد. در میان اسامی کشته شدگان تهران نام زنی نیز به چشم می‌خورد که بر اثر برخورد با تانک آسیب دیده بود (روزنامه *باختر/امروز* ۱۳۳۱/۰۴/۳۱). در کتاب *قیام ملی سی/م تیر* تصویری به چاپ رسیده است که نشان دهنده تظاهراتی از زنان آبادان است و بر روی آن نوشته است: «زنان زحمت کش آبادان پایه پای مردان در مبارزه شرکت داشتند» (ترکمان ۱۳۶۱: ۳۳۹).

تعداد بسیاری از مردم شهرهای دیگر نیز در این روز در درگیری با نیروی نظامی زخمی یا کشته شدند. مردم کرمانشاه، که تا این زمان نقشی جدی در اعتراضات و مبارزات ملی شدن نفت ایفا کرده بودند، در واقعه سی تیر نیز هم‌راهی و هم‌دلی بسیار پررنگی با طرفداران ملی شدن نفت داشتند (هوشمند ۱۳۹۱: ۹۹) تاجایی که بیش‌ترین حمایت از دولت مصدق در روز سی تیر پس از تهران از سوی کرمانشاه ثبت شده است. استان داری استان پنجم از ۲۹ نفر کشته و زخمی در کرمانشاه اسم برده است که در بیمارستان‌های مختلف شهر بستری شده‌اند و پنج نفر که بر اثر اصابت گلوله کشته شده‌اند. رخداد سی تیر کرمانشاه با برخورد خشن و خونین نیروهای نظامی به پایان رسید. باور این که در این روز فقط مردان در خیابان‌های کرمانشاه دست به تظاهرات و مقابله با قوای نظامی زدند، دشوار است، به‌ویژه این که در میان کشته شدگان سی تیر کرمانشاه دختری به نام اقدس رزازیان، فرزند اسدالله، نیز به چشم می‌خورد که به علت اصابت گلوله به پشتش کشته شده بود (آرشیو ملی ۱۹۷۵/۲۹۳۰۰).

با سقوط دولت کوتاه قوام و بازگشت مصدق به مسند قدرت، همه استان‌داری‌ها به ارائه گزارشی از واقعه سی تیر در شهرهای مختلف موظف شدند. اسامی مجروحان و کشته شدگان مردمی و نیروی نظامی نیز شناسایی و ثبت شدند. آنچه از کشته شدگان به دست آمد فهرستی بود شامل نام ۹۴ نفر که از این تعداد چهار نفر زن بودند. در میان اسامی مفقودان نام بتول عجمی، فرزند علی اکبر، نیز به چشم می‌خورد (ترکمان ۱۳۶۱: ۴۶۳).

۶. حمایت تشکلهای سیاسی زنان از ملی شدن نفت

تلاش زنان در قالب احزاب و تشکلهای سیاسی در جهت ملی شدن نفت را نمی توان نادیده گرفت.^۵ با نگاهی به کارنامه فعالیت گروهها و احزاب سیاسی این دوره بهروشنی می توان ردپای زنان فعال سیاسی و نخبه در به ثمر نشاندن رخدادهای این سالهای پر آشوب را جست و جو کرد. فاطمه سیاح، صفیه فیروز، هاجر تربیت، و صدیقه دولت آبادی به عنوان اعضای «حزب زنان ایران» بوی دروغ از ملی سازی نفت حمایت و با ملی گرایان همراهی کردند. بیانیه شورای زنان، که در روزنامه *ندای ایرانی* منتشر شد، بهروشنی حکایت از این هم دلی دارد: «عموم هم میهنان را دعوت می کند که از دولت جناب آقای مصدق پشتیبانی کامل کرده تا خاتمه قضیه نفت به نفع ایران به پای جان ایستادگی و فداکاری کنند» (روزنامه *ندای ایرانی* ۱۳۳۰: ۴).

هنگامی که به دلیل تحریم از خرید نفت ایران و ایجاد ناامنی در خلیج فارس از سوی انگلستان درآمد خارجی کشور به شدت کاهش یافته و بحران اقتصادی گریبان دولت را گرفته بود، بانک بین المللی بازسازی و توسعه تلاش کرد تا میانجی گری کند و در حل اختلاف میان ایران و انگلستان به عنوان یک بحران و اختلاف مالی مداخله کند (Staples 2002: 397-418). ۲۸ دسامبر ۱۹۵۱/۷ دی ۱۳۳۰، تنها سه روز پیش از ورود اولین هیئت بانک جهانی به تهران، تظاهرات پنج هزار نفری علیه هرگونه حل مشکل نفت با توسل به بانک بین المللی برگزار شد. دولت در پی خواست عمومی با مداخله بانک جهانی مخالفت کرد (Katouzian 2022: 4). دولت ملی برای حل مشکل به یک راهکار داخلی و کمک خواستن از مردم امید بست. دکتر مصدق لایحه قرضه ملی را به مجلس برد تا از محبوبیت خود و علاقه مردم به ملی شدن نفت استفاده کند و همگان را به یاری بگیرد. لایحه قرضه ملی در ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ به تصویب رسید (زعیم ۱۳۷۷: ۱۶۷). جمعیت زنان ایران در روز هفدهم دی ماه فراخوانی برای تبلیغ خرید اوراق قرضه ملی منتشر کرد و برای کمک به دولت مصدق دست به گردهمایی در مقابل بانک ملی زد. سخن رانی های پرشور زنان این جمعیت مردم را به خرید اوراق قرضه تشویق می کرد، درحالی که شاه دو میلیون ریال و دکتر مصدق ۲۵۰ هزار ریال اوراق قرضه ملی خریداری کرده بودند؛ جمعیت زنان ایران در پایان این روز ۳۸۰ هزار ریال اوراق قرضه خرید و در روزهای بعد این مبلغ به یک میلیون و ۱۸۰ هزار ریال رسید (مجله *تهران مصور* ۱۳۳۰: ۴۳۹). در همین جهت، ظفردخت اردلان پیامی را در رادیوی تهران ایراد کرد و از زنان خواست تا با خرید برگ های قرضه ملی وظیفه ملی خویش را به انجام برسانند (چمنی مقدم و دیگران ۱۴۰۰: ۲۱۴؛ روزنامه *ندای ایرانی* ۱۳۳۰: ۳).

محمد ترکمان در کتاب *قیام ملی سی/م* تیر به روایت اسناد و تصاویر در کنار نام دانشجویان دانشگاه تهران، معلمان و فرهنگیان کشور، و دیگران از نهضت زنان پیش روی ایران به عنوان صادرکنندگان بیانیه در حمایت از مصدق و مخالفت با قوام نام برده است (ترکمان بی تا: ۳۴۹). زنان حزب توده نیز هم چنان در اثبات هم راهی خود با ملی شدن نفت با سایر تشکلهای گام برمی داشتند.^۷

۷. تلاش دختران دانش آموز و دانشجو در حمایت از ملی شدن نفت

چند ماه پیش از اعلام ملی شدن نفت، در دی ماه ۱۳۲۹، تلگراف محرمانه ای از فرمان داری کل کردستان به وزیر کشور، اردلان، ارسال شد که درباره فعالیت معلمان و دانش آموزان در موضوع ملی شدن نفت و احتمال برگزاری تظاهرات هشدار داده شده بود و اردلان نامه را به نخست وزیر وقت، رزم آرا، ارجاع داد (آرشیو ملی ۲۹۰۰۳۸۹۲). چند روز پیش از اعلام ملی شدن نفت، در اسفند ۱۳۲۹، در دبیرستان های مختلف در سطح کشور تظاهرات و گردهمایی هایی در حمایت از ملی شدن نفت برگزار شد. در ۲۴ اسفند، دانش آموزان دبیرستان دخترانه انگلیسی مهرآیین در شیراز در یکی از این گردهمایی ها شرکت کردند. «ایران گرگین» و چند نفر دیگر از دختران دانش آموز این دبیرستان به عنوان سرکردگان این حرکت از سوی هیئت مدیره اخراج شدند («مصاحبه با ایران گرگین» ۱۴۰۰). دانش آموزان، هنرجویان، و دانشجویان در اعتراض به این موضوع در جلوی شهربانی و اداره فرهنگ شیراز تحصن کردند و درخواست بازگرداندن دختران به دبیرستان را داشتند. این حرکت اعتراضی سه روز ادامه داشت. ۲۷ اسفند ۱۳۲۹ از شهربانی شیراز گزارشی در این باره به وزارت کشور ارسال و کسب تکلیف شد. روز ۲۸ اسفند مدیر روزنامه *پیام فارس* نیز هم راه با دانش آموزان و دانشجویان پس از اجتماع بی حاصل در جلوی شهربانی شیراز به مسجد وکیل رفتند و در آنجا جلسه ای برگزار کردند و سپس به حرکت اعتراضی در خیابان پرداختند. از ساعت شانزده تا نوزده بعد از ظهر معترضان به سخن رانی و شعار دادن در خیابان و مقاومت در برابر پلیس پرداختند، اما با غروب آفتاب قوای نظامی شهربانی به خاتمه دادن به تجمع موفق شد. شهربانی شیراز به وزارت کشور و ستاد لشکر گزارش کرد که آنان تا آزادی دوستانشان به این تجمع های اعتراضی ادامه خواهند داد (آرشیو ملی ۲۹۰۰۳۸۹۲). در فاصله ۲۲ تا ۲۹ اسفند، ۲۵ نفر از این معترضان مجروح و ۳۳ نفر بازداشت شده بودند (مرادی خلیج ۱۳۹۶: ۳۳۸).

۸. پس از کودتای ۲۸ مرداد

تا مدت‌ها پس از کودتا نیز هم‌چنان فعالیت‌های سیاسی و شورش‌های جسته‌و‌گریخته مردم و دانش‌آموزان مدارس ادامه داشت. دبیرستان دخترانه شاهدخت در میدان بهارستان به دلیل فعالیت‌های دانش‌آموزان تعطیل شد (آرشیو ملی ۲۹۷۰۰۳۴۸۶۵). بسیاری از اعتراض‌ها به بهانه تقویت از سوی حزب توده و یا تمایلات کمونیستی با تهدید و سرکوب روبه‌رو شدند. تعداد زیادی از معترضان با اتهام وابستگی به عوامل شوروی و حزب توده به زندان افکنده شدند. درواقع، خطر اشاعه کمونیسم، که از سوی آمریکا و انگلستان نیز شدت بخشیده می‌شد، فرصتی برای اخراج و تنبیه مخالفان در اختیار دولت کودتا گذاشت (Stalin 2019).

در پایان سال ۱۳۳۲ (سوم بهمن)، رئیس دبیرستان دخترانه دولتی گوهرشاد تهران چهار دانش‌آموز به نام‌های ۱. فاطمه حاج اسحاق، ۲. فرنگیس قاضی‌نور، ۳. کیاندخت کارتار، و ۴. ملیحه قنبرنژاد را به اتهام اخلاص‌گری و طبق تصویب‌نامه هیئت وزیران از دبیرستان اخراج کرد. وزارت فرهنگ ایشان را به مدت یک سال از تحصیل در دبیرستان‌های تهران محروم کرد (همان).

گذشته از موضوع ملی‌شدن نفت، در اعتراضات صنفی و مدنی نیز نقش زنان قابل چشم‌پوشی نبود، همان‌طور که در گزارش‌های اعتراضات کارگران کارخانه آذربایجان در قزوین نوشته شده است:

طبق گزارش شهربانی قزوین روز ۱۳۳۲/۳/۲۵ عده [ای] از دختران و بانوان کارگر آذربایجان به قصد تحصن در دادسرا اجتماع [کردند]. آقای فرمان‌دار به اتفاق رئیس شهربانی با نصایح آنان را از تحصن منصرف و شرحی کتباً به شهربانی نوشته‌اند، هرگاه به خواسته‌های آنان توجه نشود، منظور خود را عملی خواهند ساخت. متمنی است مقرر فرمایید برای حفظ آرامش شهر و کارخانجات وزارت کار با مذاکره با کارفرمایان تصمیم لازم درمورد اعتصاب کارگران کارخانه آذربایجان اتخاذ و نتیجه را امر و ابلاغ فرمایند (همان ۲۹۳۰۰۰۲۰۰۵).

۹. زنان و مطالبه حقوق شهروندی (حق رأی)

هنگامی که زنان و طرف‌داران حقوق شهروندی زنان در سال ۱۳۳۱ بیانیه‌ای مبنی بر تقاضای حقوق سیاسی و اقتصادی صادر کردند، موجی در مخالفت و موافقت با این موضوع به راه افتاد. در بخشی از این بیانیه آمده بود: «هیچ کشوری مادامی که زنان را کنار گذاشته نمی‌تواند پیشرفت

کند، هیچ ملتی نمی‌تواند ادعای ساختن تمدن داشته باشد و از آن احساس غرور کند، مادامی‌که زنان از داشتن حقوق مساوی با مردان محروم هستند». براساس گزارش‌های منتشرشده در حمایت از این بیانیه صد هزار امضا جمع شد. نسخه‌هایی از این بیانیه به نخست‌وزیر وقت، دکتر مصدق، و نیز نمایندگان مجلس و سازمان ملل فرستاده شد. باوجود چنین حرکتی حق رأی برای زنان در لایحه مربوط به انتخابات درج نشد. تعداد زیادی از روحانیون رده‌بالا مصدق را از مخالفت شدید خود درباره حق رأی و حق انتخاب شدن زنان مطلع ساختند و حق رأی زنان را ضد اسلام اعلام کردند (ساناساریان ۱۳۸۴: ۱۱۶؛ Kottam 1968: 82-95؛ Afshar 1968).

در پایان ناچار از تکرار یادآوری ناکامی زنان از دولت مصدق هستیم. نباید فراموش کرد که دکتر محمد مصدق در ابتدای دوران نخست‌وزیری‌اش دو هدف را نشان کرده بود: اول ملی کردن نفت و دوم اصلاح قانون انتخابات. یکی از مواردی که قرار بود در قانون موردنظر اصلاح شود، اجازه دادن به زنان برای مشارکت در انتخابات مجلس شورای ملی و برخورداری از حق رأی بود. در مورد اول که ملی شدن نفت بود، تمام تلاش و همت خود را به کار بست، اما موضوع حق رأی زنان در طول دوران نخست‌وزیری وی به فراموشی سپرده شد. طومارها و عریضه‌های بسیاری گواه تلاش زنان پرستار، پزشک، معلم، کارمند، و کارگر در تکرار درخواست حق رأی و یادآوری این بدعهدی است (تصویر ۱).



تصویر ۱.

کنش گران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۲۹۷

احتمالاً موضع سکوت در این موضوع بنابه دلایل فراوان از جمله مخالفت گروه روحانیون و طرفداران مذهبی جبهه ملی و پرهیز از آشوب و ناراضی‌ت‌ها در بین آنان بود؛ زیرا مطبوعات و اسناد گواه مخالفت گسترده‌ای هستند که با برخورداری زنان از حق رأی صورت پذیرفت، تاجایی که آیت‌الله حسین بروجرودی مصدق و مجلس شورای ملی را به «مهاجرت و صدور فتوایی که برای دولت گران تمام خواهد شد» تهدید کرد (آرشیو ملی ۱۰۶/۲۹۳۰۰۰ و میلانی، نماینده مجلس شورای ملی، در بهمن‌ماه ۱۳۳۱ طوماری از اهالی تبریز در مخالفت با حق رأی زنان جمع کرد و آن را به دفتر نخست‌وزیری ارسال کرد (همان ۵۱۳۲/۲۹۳۰۰۰). مصدق اگرچه سیاست‌مداری تجددطلب و مخالف تلاش روحانیت برای کسب قدرت سیاسی و مداخله آنان در امور اجرایی دولت بود، برای حفظ ائتلاف با افراد و احزاب مذهبی و حفظ جناح سستی جبهه ملی و روحانیون متنفذ، به رهبری آیت‌الله کاشانی، از دادن حق رأی به زنان خودداری کرد (مغینی بی‌تا: ۱۵).

افزون‌بر موضوع حق رأی،^۸ آن‌چه در گروه‌های سیاسی و طرفداران سستی — مذهبی می‌گذشت، بهانه‌جویی و بدبینی در قبال مشارکت زنان در رخداد‌های روز بود. کار و شغل زنان در خارج از خانه مورد انتقاد و مخالفت بسیار قرار گرفته بود. مطبوعات این سال‌ها بارها مقالات و یادداشت‌هایی در اعتراض به کارکردن زنان و اصرار بر اخراج آنان از ادارات و دستگاه‌های دولتی منتشر کردند (قلم مبارز ۰۹/۰۷/۱۳۳۰: ۳، ۴). مخالفت با حضور زنان در ادارات و مشاغل مختلف دولتی یکی از برجسته‌ترین خواسته‌های روزنامه قلم مبارز به مدیریت عباس مقدم بود:

... ما از هیئت دولت و مخصوصاً از حضرت آیت‌الله کاشانی تقاضا داریم به نام دین و به نام اسلام دستور فرمایند از حضور خانم‌ها در ادارات، از نظر آن حضرت پوشیده نیست، ولی ما تذکراً درخواست می‌نماییم که به هیئت دولت بفرمایند که خانم‌ها را از ادارات دولتی بیرون بریزند ...

هم‌چنین، فعالیت زنان در مسائل سیاسی و انتخابات دوره‌ای مجلس شورای ملی را به تمسخر گرفتند و زنان را بازیچه دست سیاست می‌دیدند (قلم مبارز ۰۹/۰۷/۱۳۳۰).

۱۰. نتیجه‌گیری

با تکیه بر اسناد و مدارک آرشیوی که نمونه‌هایی از آن‌ها در این نوشتار مورد استناد واقع شدند، حضور آشکار و پنهان گروه‌های مختلف زنان در اعتراضات مردمی پیش و پس از ملی‌شدن

نفت نمایان است. تاریخ شاهد حمایت تشکلهای سیاسی زنان از ملی شدن نفت در سال ۱۳۲۹ و مشارکت زنان کارگر و کارکنان دولت در اعتراضات و اعتصابات این سالهاست، هم‌چنان‌که تلاش دختران دانش‌آموز و دانشجو در حمایت از ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۰ انکارناپذیر است. نقش زنان به‌عنوان بخشی از جامعه در رخداد سی تیر ۱۳۳۱ و سپس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دست‌گیری‌های پس از آن در این مقاله تاحد امکان بازنمایی شد. روشن است که فرضیه عدم مداخله زنان در وقایع سیاسی و اجتماعی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ و در مسیر ملی شدن نفت بی‌اعتبار است. آنان به‌یقین در این جریان حضور فعال داشته‌اند، اما مورخان و پژوهش‌گران بنابه دلایل گوناگون آنان را نادیده انگاشته و در روایات خود به‌حاشیه رانده‌اند.

زنان هم‌چنان به‌عنوان نیمی از مردم بدعه‌دی دیدند، اما حضور خودشان را از تجمعات مدنی و پشتیبانی از سیاست ملی شدن نفت دریغ نکردند. در تظاهرات و اعتصابات هم‌دل و هم‌راه بودند و وظایف ملی و شهروندی خود را به‌خوبی انجام دادند. هرکدام از گروه‌های کنش‌گر و احزاب و سیاست‌ورزان این دوره که با اقبال روبه‌رو نمی‌شدند، با قهر و انزواگزینی و مخالف‌خوانی تغییر شیوه دادند، اما زنان به‌عنوان جماعتی از کنش‌گران سیاسی با مداومت و مقاومتی جانانه این بحران را همراهی کردند و عقب نشستند. اگرچه زنان از دولت ملی مصدق پشتیبانی کردند، در طول سه سال حضور وی تغییری در وضعیت آنان اتفاق نیفتاد. در این میان، به‌نظر می‌رسد گروه‌های زنان همان موضعی را دنبال می‌کردند که احزاب کاملاً مردانه‌ای که به آن‌ها وابسته بودند، در پیش گرفته بودند.

اگرچه دلایل و مستندات بسیار بیش‌تری در اسناد و مدارک وجود دارند که به‌روشنی نشان از نقش زنان در ملی شدن صنعت نفت و مشارکت آنان در اعتراضات مدنی دارند، آن‌چه گفته شد به‌عنوان مثنی از خروار می‌تواند راه‌گشا باشد. مسلم این است که مردم در قیام ملی شدن نفت بسیار قدرت‌مند عمل کردند و زنان نیز به‌عنوان بخشی از این مردم در میدان بوده‌اند که از نگاه پژوهش‌گران تاریخ پنهان مانده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به فصیحی، سیمین (۱۳۸۸)، «از تاریخ مردان نخبه تا تاریخ زنان فراموش‌شده، علل تأخیر در پیدایش تاریخ‌نگاری زنان»، فصل‌نامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری، ش ۲، ۴۳-۶۸.

2. Sedghi, Hamideh (2007), *Women and Politics in Iran Veiling, Unveiling, and Reveiling*, New York: Cambridge University Press, Information on this Title:
<<https://www.cambridge.org/9780521835817>>.

کنش گران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۲۹۹

۳. اگر بپذیریم که «مشارکت سیاسی هرگونه عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل به‌کارگیری روش‌های مشروع یا نامشروع برای تأثیر بر سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، و انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی را در بر می‌گیرد» (فاضلی ۱۳۷۸: ۲۶۸)، می‌توان ادعا کرد که زنان هم‌چون مردان در پیش‌بردن جنبش ملی نفت سهم بوده‌اند و مشارکت سیاسی داشتند.

۴. اغلب کارخانه‌ها خارج از شهر اصفهان قرار داشت.

۵. هم‌چنان که پیش‌تر گفته شد، یادآوری می‌شود که هدف این پژوهش پرداختن به فعالیت‌های سیاسی سازمان یافته از سوی احزاب و دسته‌های سیاسی نیست. ارزنده است که در مقاله‌ای دیگر به این موضوع پرداخته شود.

۶. این حزب بعدها به «شورای زنان» مشهور شد.

۷. برای اطلاع بیش‌تر، بنگرید به سرشار، هما (۱۳۸۱)، شعبان جعفری، لس‌آنجلس: ناب.

۸. موضوع حق زنان برای شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۲ در سکوت ماند تا این‌که زنان در این سال از سوی دولت اسدالله علم با هیاوو و مخالفت گسترده‌ای به دریافت این حق موفق شدند.

کتاب‌نامه

- آرشیو ملی سند ۲۹۰۰۳۸۹۲، ۲۹۷۰۰۳۴۸۶۵، ۲۹۳۰۰۱۰۶، ۲۹۳۰۰۱۹۷۵، ۲۹۳۰۰۲۰۱۴، ۲۹۳۰۰۲۰۴۵، ۲۹۷۰۰۰۷۴۱، ۹۱۰۲۴۵۰۹۰، ۹۵۰۳۶۴۰۷، ۲۹۳۰۰۵۸۷۵، ۲۹۰۰۰۱۶۵۲، ۲۹۳۰۰۰۱۰۶، ۲۹۳۰۰۰۲۰۰۵، ۲۹۳۰۰۲۰۴۵، ۲۹۳۰۰۵۱۳۲.
- اداره کل آمار عمومی، خلاصه گزارش سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵ (۱۳۳۹-۱۳۴۰)، ج ۱ و ۲، تهران: وزارت کشور.
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳/۱۰/۱۴)، «پیش‌تازان جنبش: سیری در نقش اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران»، روزنامه شرق.
- ترکمان دهنوی، محمد (۱۳۶۱)، قیام ملی سی‌ام تیر به روایت اسناد و تصاویر، تهران: کتاب‌فروشی دهخدا.
- ترکمان، محمد (بی‌تا)، تهران در آتش؛ کابینه قوام و حوادث سی‌ام تیر، تهران: امیر.
- چمنی مقدم، مصطفی، محمدنبی سلیم، و میرزا محمد حسنی (۱۴۰۰)، «ملی‌گرایی و جنبش زنان ایران (۱۲۸۵-۱۳۴۲ ش)»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۵، پیاپی ۲۹.
- حاجیان، هاید (۱۳۷۹)، پژوهشی جامعه‌شناختی درباره نقش و مشارکت زنان در جنبش‌ها و تحولات اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، بازبایی در: <http://www.dl.nlai.ir/UI/Permalink>

۳۰۰ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

روزنامه باختر/امروز (۱۳۳۱/۰۴/۳۱)، ش ۸۶۷

روزنامه قلم مبارز (۱۳۳۰/۰۷/۰۹)، س ۱، ش ۱.

روزنامه ندای ایرانی (۱۳۳۰).

زعیم، کوروش (۱۳۷۷)، *جبهه ملی ایران*، تویسرکان: تاخ.

ساناساریان، الیز (۱۳۸۴)، *جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷*،

ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.

سرشار، هما (۱۳۸۱)، *شعبان جعفری*، لس آنجلس: ناب.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶)، *نقش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران*، تهران: زمزم هدایت وابسته به

پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق.

عبداللهی، محمدجواد (۱۳۹۸)، «ناکارآمدی سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ ش در احصای بی‌کاری؛ نمونه‌ای

از نسبت آمارهای اقتصادی با امر واقع تاریخی»، *دوفصل‌نامه پژوهش‌های علوم تاریخی*، س ۱۱، ش ۱.

فاضلی، عبدالرضا (۱۳۷۸)، «مشارکت سیاسی و احزاب؛ جنبه‌های نظری و پیشینه در ایران»، در:

مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، تهران: همشهری.

فصیحی، سیمین (۱۳۸۸)، «از تاریخ مردان نخبه تا تاریخ زنان فراموش‌شده، علل تأخیر در پیدایش

تاریخ‌نگاری زنان»، *فصل‌نامه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، ش ۲، ۴۳-۶۸.

فصیحی، سیمین (۱۳۸۹)، «حقوق شهروندی در عریضه‌های زنان مشروطه»، *تاریخ ایران*، س ۸، ش ۸، پیاپی

۶۵-۶۶.

فصیحی، سیمین و مریم نوری امیرآبادی (۱۳۸۹)، «نقش دوگانه حزب دموکرات ایران در مشارکت سیاسی

زنان»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*، دوره جدید، س ۲۰، ش ۶، پیاپی ۸۵

کینزر، استیفن (۱۳۸۲)، *همه مردان شاه*، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: اختران.

لعل شاطری، مصطفی و هادی وکیلی (۱۳۹۵)، «نقش روسپیان شهر نو در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، *گنجینه*

اسناد، س ۲۶، ش ۱، ۶۰-۸۱.

مجله تهران مصور (۱۳۳۰).

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۹)، *جنسیت و جغرافیا*، تهران: گل‌آذین.

مرادی خلیج، محمدمهدی (۱۳۹۶)، *شیراز در دوران نهضت ملی‌شدن نفت*، تهران: کویر.

«مصاحبه با ایران گرگین» (۱۴۰۰/۱۲)، آرشیو شخصی ربابه معتقدی.

معتقدی، ربابه (۱۴۰۱)، «تاریخ‌نگاری فرودستان از دریچه آرشیو اسناد با نگاهی به اسناد کنش‌گری زنان در

ملی‌شدن نفت»، *تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، دوره ۳۱، پیاپی ۱۱۳.

مغیثی، هایده (بی‌تا)، «رویداد از گور مفاهیم کهنه؛ زنان و تجربه تجدد در ایران قرن چهاردهم»، *تقد اقتصاد*

سیاسی، درس‌های یک قرن.

کنش گران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۳۰۱

مقدم، ولتاین (۱۳۸۵)، «کارگران زن ایران، تاریخ کارگران زن در ایران عصر جدید»، ترجمه یزدان فرخی، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، زمانه، س ۵، پیاپی ۴۸.
هوشمند، احسان (۱۳۹۱)، «قیام سی تیر مردم کرمانشاه؛ بررسی پرونده یک خیزش»، فصلنامه گفت‌وگو، پیاپی ۶۱، ۷۷-۹۹.

Ashrafi, Mehdi (1977), *Development and Transformation of Political Parties in Iran 1941-1975*, PhD Thesis, Claremont Graduate School, Elwell -Sutton, Political Parties in Iran.

Cottam, W. (2019), "Political Party Development in Iran, Iranian Studies 1, Summer 1968", in: *Diplomatic History*.

Higgs, Edward and Amanda Wilkinson (2016), "Women, Occupations and Work in the Victorian Censuses Revisited", *History Workshop Journal*, Oxford University Press, vol. 81, 18.

Katouzian, Homa (2022), "The Anglo-Iranian Oil Crisis Revisited: Irans Rejection of the World Bank Intervention and the 1953 Coup", *British Journal of Middle Eastern Studies*.

Keddie, Nikki (1981), *Modern Iran, Roots and Results of Revolution*, Yale University Press.

Rowbotham, Sheila (1976), *Hidden from History: Rediscovering Women in History from the 17th Century to Present*, Vintage Books Edition, New York: A Division of Random House.

Sedghi, Hamideh (2007), *Women and Politics in Iran Veiling, Unveiling, and Reveiling*, New York: Cambridge University Press: <<https://www.cambridge.org>>.

Spivak, Gayatri Chakravorty (2018), "Can the Subaltern Speak?", in: *Reflections on the History of an Idea*, A. Karimi (trans.), Tehran: Published by Falat, (Persian).

Stalin, V. M. Z. (2019), "Soviet Intelligence, and the Struggle for Iran, 1945-53", in: *Diplomatic History*, vol. 15, no, 29, 214-239.

Staples, Amy L. S. (2002), "Seeing Diplomacy through Banker's Eyes: The World Bank, The Anglo-Iranian Oil Crisis, and the Aswan High Dam", *Diplomatic History*, vol. 26, no. 3, 397-418.

Sutton, Elwell (1968), "Political Parties in Iran", *Political Party Development in Iran, Iranian Studies 1*, 82-95

